



مرزی با هند است. این کشور اختلافات خود را با همه همسایگان دریایی خود دنبال می‌کند. هم‌چنین فعالانه ادعاهای ژاپن در مورد جزایری را که توکیو اداره می‌کند و ادعاهای ارضی پنج دولت دیگر در دریای چین جنوبی را به چالش می‌کشد. نقشه‌های رسمی، تبلیغات و بیانیه‌های رسمی، مشروعیت حاکمیت ژاپن بر زنجیره جزایر ریوکیو - از جمله اوکیناوا - و کنترل روسیه بر بخش‌هایی از شرق دور را زیر سؤال می‌برند.

اگر تایوان تحت کنترل پکن باشد، ژاپن در موقعیت بسیار ضعیف‌تری برای دفاع از خاک خود قرار خواهد گرفت. سقوط تایوان برای فیلیپین و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی بدتر خواهد بود. پکن این قدرت را خواهد داشت که دسترسی ایالات متحده به آسیای شرقی، آسیای جنوب شرقی و اقیانوس هند، ساحل پرجمعیت‌ترین و از نظر اقتصادی فعال‌ترین بخش جهان، را پیچیده کند. همان‌طور که هنری کیسینجر زمانی گفت: ایالات متحده ممکن است شبیه «جزیره‌ای در سواحل جهان» شود.

بدتر از آن، با ایجاد یک موقعیت مسلط مسلم در شرق آسیا، شی جین پینگ می‌تواند برتری جهانی را دنبال کند. چین حتی می‌تواند تلاش کند تا به اقیانوس اطلس نفوذ کند، جایی که ارتش آزادی‌بخش خلق در حال حاضر ایستگاه‌های ردیابی، تله‌متری و فرماندهی را در آرژانتین و نامیبیا انجام می‌دهد. آنگولا، گینه استوایی و گابن از جمله ۱۹ کشوری هستند که پکن به دنبال تأسیسات نظامی فراتر از امکاناتی است که قبلاً در جیبوتی دارد. تاریخ خود آمریکا نشان می‌دهد که چگونه

از بحران مالی جهانی و همه‌گیری کووید-۱۹ فراتر رود. اگر کارخانه‌های تراشه‌های تایوان به نحوی دست‌نخورده باقی بمانند و فعال بمانند، پکن تقریباً تمام عرضه پیشرفته‌ترین نیمه‌رساناها را در جهان کنترل می‌کند. از سوی دیگر، اگر آن‌ها برای از سرگیری فعالیت‌ها تلاش کنند، که احتمال زیادی هم دارد، جهان باید به تراشه‌های نسل قدیمی‌تر بسیار پایین‌تر رضایت دهد؛ تراشه‌هایی که چین در مسیر تبدیل شدن به بزرگترین تولیدکننده آن است.

مطمئناً اگر تراشه‌های گران‌قیمت تایوان از بازارهای جهانی ناپدید شوند، اقتصاد چین دچار شکست‌های بزرگی خواهد شد. اقتصاد بقیه کشورهای صنعتی نیز همین‌طور است. حاکمان مارکسیست-لنینیست پکن، که قدرت را با مجموع صفر در نظر می‌گیرند، ممکن است این را هزینه‌ای قابل پرداخت بدانند؛ به خصوص اگر چین در نهایت به عنوان تولیدکننده پیشروی تراشه در جهان ظاهر شود.

#### ← **نظمی به سوی بی‌نظمی**

خواه از طریق جنگ آشکار یا اجبار شدید، الحاق تایوان به چین برخلاف میل جمعیت ۲۴ میلیون نفری آن، نظم جهانی را به شکلی که از زمان جنگ جهانی دوم دیده نشده است، مختل خواهد کرد. برای شروع، پکن ممکن است پس از الحاق تایوان متوقف نشود. همان‌طور که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در اوکراین نشان داد، چین در حال تصرف زمین در بوتان و درگیری‌های

از سرگیری عرضه تراشه در سطوح قبل از بحران می‌تواند باعث افزایش زیان‌های اقتصادی جهانی و توقف پیشرفت در زمینه‌های حیاتی، از پزشکی گرفته تا علم مواد شود.

از دست دادن دسترسی به نیمه‌هادی‌های تایوانی پنج تا ده درصد از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده را کاهش می‌دهد. حتی اگر چین کارخانه‌های ریخته‌گری تایوانی را دست‌نخورده تصرف کند، آن‌ها احتمالاً برای رسیدن به سطح تولید قبل از جنگ به شدت مبارزه می‌کنند. اختلال در برق، به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری، و تأمین تجهیزات خارجی، تعمیر و نگهداری و مهندسی، کارخانه‌های تراشه‌های تایوان را تحت فشار قرار می‌دهد. برای ماه‌ها یا حتی سال‌ها، تأسیسات تولیدی اشغال‌شده، به‌ویژه با توجه به تحریم‌های اقتصادی پس از جنگ که دموکراسی‌های جهان اعمال خواهند کرد، با مشکلات جدی مواجه خواهند شد.

تشنج اقتصادی جهانی که به دنبال قطع تراشه‌های تایوانی ایجاد می‌شود، می‌تواند از تشنج ناشی

